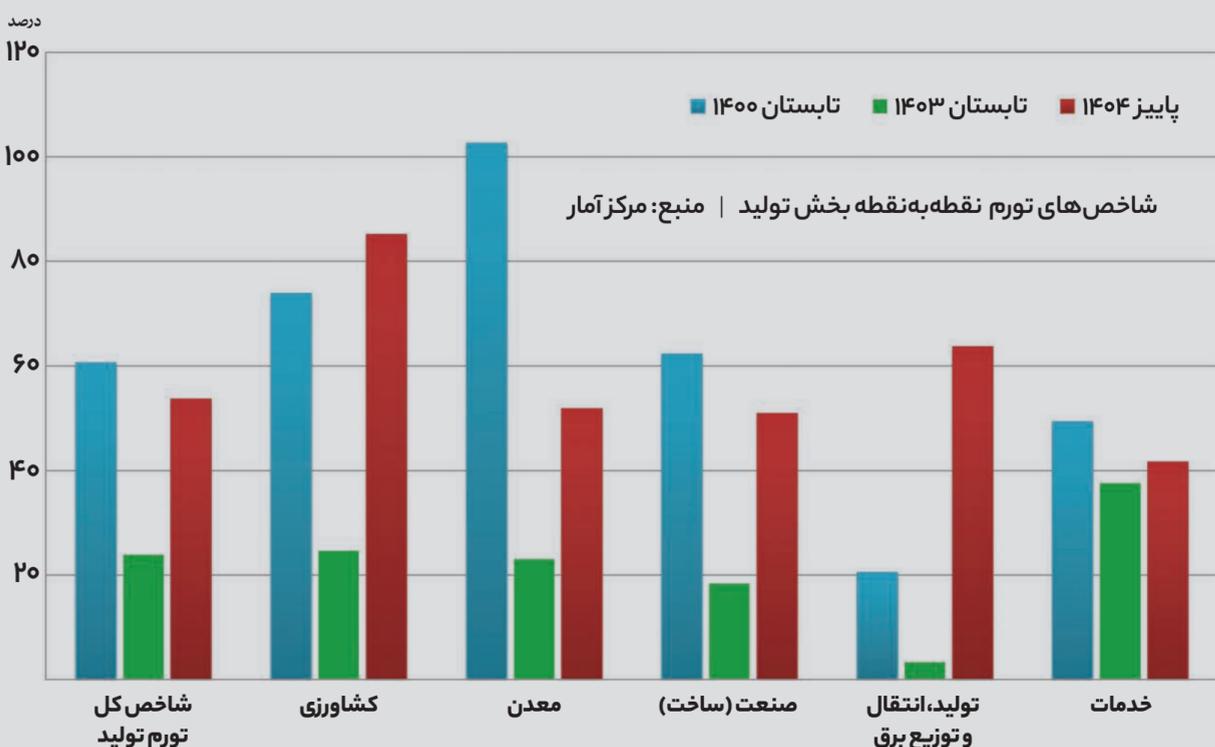


چارسوت

در پاییز ۱۴۰۴ نسبت به پایان دولت شهید رئیسی

تورم تولید بیش از دو برابر شد



تورم نقطه به نقطه تولیدکننده که در پایان دولت شهید رئیسی ۲۳٫۸ درصد بود در پاییز امسال به ۵۳٫۷ درصد افزایش یافت و بیش از ۲ برابر شده است. افزایش شتابان تورم تولیدکننده این اخبار را می دهد که به زودی اثرات افزایش هزینه تولید در کشور به بخش کالاهای مصرفی سرریز خواهد شد و تورم کالاهای مصرفی را هم بیشتر خواهد کرد. این در حالی است که هم اکنون هم نرخ تورم مصرف کننده به علت اقدام دولت چهارم در حذف ارز ترجیحی، در اوج خود قرار دارد. تورم تولیدکننده از آنجایی اهمیت دارد که شاخص مهمی برای پیش بینی تورم مصرف کننده است. به عبارتی هر افزایش یا کاهش در تورم تولیدکننده، خود را در بازار نهایی و خرده فروشی ها نشان خواهد داد. افزایش بیش از ۲ برابری تورم تولید در حالی است که دولت سیزدهم توانسته بود تورم تولید را در ۳ سال فعالیت خود به کمتر از نصف کاهش دهد. تورم تولید در پایان دولت حسن روحانی از ۶۰ درصد عبور کرده بود اما مجدداً در دولت پزشکیان، تورم تولید افزایشی شده است. نگاهی به آمار بخش های مختلف تولیدی در کشور نشان می دهد تورم همه بخش ها نسبت به فصل پایانی دولت شهید رئیسی به شدت افزایش پیدا کرده است. دولت چهارم اگر سیاست های اقتصادی خود را تغییر ندهد و روند افزایش نرخ ارز رسمی را به بهانه تک نرخی کردن ارز ادامه دهد، اوضاع تولید بدتر از شرایط فعلی هم خواهد شد و دولت آن به چشم مصرف کنندگان خواهد رفت.

وزارت نیرو ۵۷۰۰ میلیارد تومان عوارض برق اضافه از مردم گرفته است



دیوان محاسبات کشور وصول عوارض برق بیش از سقف مقرر قانونی، به مبلغ ۵ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ توسط شرکت توانیر را احراز کرد. دیوان محاسبات کشور اعلام کرد بر اساس قانون حمایت از صنعت برق و قانون بودجه ۱۴۰۳، سقف وصول عوارض برق مبلغ ۸ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان تعیین شده، اما طبق گزارش تفریح بودجه سال ۱۴۰۳ و بررسی صورت های مالی این شرکت، عوارض برق در سال مذکور بالغ بر ۵ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بیش از سقف مقرر قانونی وصول شده است که باید مبالغ اضافه دریافتی در قبوض برق مشترکین لحاظ شود. این پرونده در دستور کار هیات حسابرسی مربوطه دیوان محاسبات کشور قرار گرفته و اقدامات قانونی لازم در چارچوب وظایف این نهاد نظارتی در حال پیگیری است.

افزایش مجدد تعرفه اینترنت همراه طی ۴ ماه اخیر



وعده وزیر ارتباطات برای جلوگیری از افزایش قیمت اینترنت محقق نشد

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در انتقاد به عدم تحقق وعده وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات برای جلوگیری از افزایش قیمت بسته های اینترنتی، گفت: هم اکنون باید مشخص شود آیا افزایش قیمت بسته های اینترنتی از طریق مجاری قانونی و بر اساس استدلال انجام شده است یا اپراتورها به طور خودسرانه در این زمینه اقدام کرده اند. سید جواد حسینی کیا در واکنش به انتشار خبری مبنی بر اینکه بسته های اینترنتی اپراتورهای تلفن همراه از ۵ اسفندماه ۱۸ درصد افزایش قیمت خواهد داشت. گفت: دو نکته در رابطه با وضعیت بسته های اینترنتی باید مورد توجه قرار گیرد که یکی از آنها جبران خسارت مشترکانی است که قبلاً از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بسته های اینترنتی را خریداری کرده بودند اما با قطعی اینترنت مواجه شدند. نماینده مردم سنقر در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: هم اکنون نیز باید مشخص شود آیا افزایش ۱۸ درصدی قیمت که برای بسته های اینترنتی اعمال می شود از طریق مجاری قانونی انجام شده است یا اپراتورها به طور خودسرانه نسبت به افزایش قیمت این بسته ها اقدام کرده اند. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم، یادآور شد: متأسفانه این خبر در حالی منتشر شده است که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات قول داده بود تا پایان سال هیچ افزایش قیمتی برای بسته های اینترنتی نخواهیم داشت. نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: قطعاً کمیسیون صنایع این موضوع را به طور جدی پیگیری خواهد کرد تا حقی از مشترکان تصبیح نشود.

بررسی ها نشان می دهد قیمت بسته های اینترنت موبایل اپراتورها ۱۸ درصد افزایش پیدا کرده و از بامداد سه شنبه ۵ اسفند نرخ های جدید ارائه شده است. این بسته ها که پیش از این در آذرماه ۱۴۰۴ افزایش ۲۰ درصدی پیدا کرده بود، از بامداد دیروز (پنجم اسفندماه) بار دیگر به میزان ۱۸ درصد گران تر شده است. این افزایش قیمت در واقع دنباله همان افزایش قیمت پیشین است که در تاریخ ۱۱ آذرماه اعمال شده بود. بررسی ها نشان می دهد دولت پیش تر با افزایش تعرفه بسته های اینترنت اپراتورهای موبایل به میزان ۳۸ درصد موافقت کرده بود اما به نظر می رسد این افزایش نرخ در دو مرحله اعمال شده است. مرحله نخست در ماه سوم پاییز با افزایش ۲۰ درصدی تعرفه ها اتفاق افتاد و حالا در سومین ماه زمستان ۱۴۰۴ باقی مانده آن ۳۸ درصد اعمال شده و اکنون قیمت هر بسته اینترنت اپراتورهای تلفن همراه ۱۸ درصد بالاتر رفته است. گفتنی است که پیش از سال ۱۴۰۴ که این افزایش تعرفه ۳۸ درصدی اعمال شود، در سال ۱۴۰۲ آخرین افزایش نرخ بسته های اینترنت اجرایی شده بود. در این سال ها اپراتورها همواره از ثابت ماندن تعرفه اینترنت موبایل گلایه داشته و توضیح می دادند که با افزایش همه هزینه های چند سال، ثابت ماندن تعرفه اینترنت همراه توان توسعه و حتی نگه داری و حفظ کیفیت تجهیزات را از آن هاسلب کرده است. همین موضوع دولت را قانع کرده که نسبت به افزایش نرخ اینترنت همراه اقدام کند. از دیگر سواست مشترکین و کاربرانی هستند که این افزایش نرخ بسته ها مثل هر گرانی دیگری جیبشان را خالی تر و بنابرین ناراضی شان می کنند. موضوع فیلترینگ، اختلال و کیفیت اینترنت نیز همواره از گلایه های کاربران در خصوص وضعیت اینترنت سیار کشور بوده است.



چه کسی به دنبال حذف تولید تلفن همراه است

پیش نویس تغییرات تعرفه‌ای ۱۴۰۵ اخیراً از سوی وزارت صمت تهیه شده که در آن شاهد حذف ردیف مستقل تولید هستیم.

پیش نویس اصلاحات تعرفه‌ای سال ۱۴۰۵ که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه و به زودی برای تصویب به هیات دولت ارسال خواهد شد، نشان می دهد صنعت تلفن همراه کشور با یک تغییر اساسی و بحث برانگیز و شاید مشکوک مواجه شده است. در این پیش نویس، ردیف‌های مستقل واردات تلفن همراه به روش CKD (مونتاژ قطعات نیمه‌آماده) و SKD (مونتاژ قطعات منفصله) حذف شده و عمل‌آئنامی انواع گوشی های تلفن همراه در یک ردیف تعرفه‌ای واحد با کد ۸۵۱۷۳۰۰ طبقه‌بندی خواهند شد؛ تصمیمی که فعالان صنعت و کارشناسان اقتصادی آن در تضاد با سیاست‌های حمایت از تولید داخل و تمرکز بر مونتاژ داخلی می دانند. فهرست اصلاحات تعرفه‌ای سال ۱۴۰۵ که به زودی در هیات دولت مصوبه و برای اجرا به گمرکات کشور ابلاغ خواهد شد، حاوی نکته‌ای سوال برانگیز برای صنعت تلفن همراه است. براساس این پیش نویس، ردیف‌های مستقل واردات تلفن همراه به روش CKD و SKD حذف شده و تمامی گوشی‌های وارداتی (عم از کامل، نیمه‌مونتاژ و قطعات منفصله) در ردیف تعرفه‌ای واحد ۸۵۱۷۳۰۰ طبقه‌بندی می شوند.

تلفن همراه؛ ارزبرترین کالای مصرفی وارداتی

برای درک اهمیت این تصمیم، باید به جایگاه تلفن همراه در سبد وارداتی کشور توجه کرد. آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد تلفن همراه یکی از ارزبرترین اقلام وارداتی کشور بوده است. در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴، حدود ۷،۵ میلیون دستگاه گوشی تلفن همراه به ارزش یک میلیارد و ۴۵۷ میلیون دلار وارد کشور شده است، هرچند این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۵ درصد کاهش در تعداد و ۲۱ درصد کاهش در ارزش داشته، اما همچنان ارزبری بالای این کالا قابل توجه است. در دوسال اخیر، رویکردهای متفاوتی نسبت به واردات این کالا اتخاذ شد. مقطعی واردات مدل های لوکس آیفون (۱۳ به بالا) ممنوع شد، اما دولت چهاردهم با آزادسازی مجدد واردات این رده از گوشی‌ها، زمینه‌ساز ارزبری نیم میلیارد دلاری برای این برند خاص شد.

تأکید مرکز پژوهش‌های مجلس بر تولید داخل

در همین حال، گزارش تحلیلی اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که اخیراً منتشر شده، بر لزوم تمرکز بر تولید داخل به‌ویژه در رده قیمتی زیر ۶۰۰ دلار تأکید کرده

است. در این گزارش، سه روش مونتاژ شامل (مونتاژ قطعات منفصله)، CKD (مونتاژ قطعات نیمه‌آماده) و ODM (تولید مبتنی بر طراحی اولیه) به‌عنوان راهکارهای توسعه داخلی سازی معرفی شده است. هدف از این پیشنهاد، جلوگیری از ارزبری بی‌ضابطه در این کالای مصرفی و هدایت واردات به سمت تکمیل زنجیره ارزش داخل است.

تغییر بحث برانگیز در فهرست تعرفه‌های ۱۴۰۵

با این حال، پیش نویس

وزارت صمت برای تعرفه‌های سال آینده، فعالان را با یک شوک‌تی روبرو کرده است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، در این پیش نویس که به زودی در دولت تصویب می شود، ردیف مستقل ۸۵۱۷۳۰۰ واردات تلفن همراه به روش های CKD و SKD و همچنین ردیف ۸۵۱۷۱۴۰ که مربوط به تولید گوشی‌های غیر هوشمند-کمه‌ای است نیز حذف شده و عملاً کل تلفن های همراه وارداتی در ردیف مستقل ۸۵۱۷۳۰۰ طبقه‌بندی خواهند شد.
کد تعرفه ۸۵۱۷۳۰۰ در سیستم هماهنگ شده (HS) به «تلفن های هوشمند» اختصاص دارد. این بدان معناست که دیگر تکنیکی بین گوشی کامل وارداتی و قطعات منفصله یا نیمه‌آماده برای مونتاژ داخلی وجود نخواهد داشت وهمه آنها ذیل یک ردیف تعرفه‌ای قرار می گیرند.

پیامدها: از تصمیم تولید تا افزایش ارزبری

کارشناسان صنعت تلفن همراه نسبت به این تصمیم هشدار می دهند. به گفته آنها، حذف ردیف‌های مستقل CKD و SKD عملاً مشوق های تعرفه‌ای برای مونتاژ داخل را از بین می برد. وقتی قطعات و گوشی کامل در یک ردیف تعرفه‌ای قرار گیرند، تفاوت تعرفه‌ای که می توانست انگیزه‌ای برای داخلی سازی باشد، از میان می رود. «این تصمیم دقیقاً خلاف جهت گیری گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس و سیاست‌های کلی حمایت از تولید داخل است که مدنظر رهبر معظم انقلاب قرار دارد. وقتی تعرفه واردات قطعات با گوشی کامل یکی شود، چه انگیزه‌ای برای تولید داخل باقی می ماند؟ واردکننده ترجیح می دهد گوشی کامل وارد کند تا هم ریسک کیفیت کم‌تر باشد، هم زمان کم‌تری صرف شود. از سنسور دیدگر، نگرانی دیگری که مطرح می شود، افزایش ارزبری است، با یکسان سازی تعرفه‌ها، احتمال افزایش واردات گوشی های کامل و کاهش انگیزه برای مونتاژ داخل وجود دارد که این خود می تواند ارزبری بیشتری برای کشور به همراه داشته باشد.

تضاد با اهداف اعلامی وزارت صمت

نکته تأمل برانگیز آنکه این تصمیم در شرایطی اتخاذ می شود که وزیر صمت بر حمایت از تولید داخل و تکمیل زنجیره ارزش تأکید کرده است. ابلاغ این پیش نویس در حالی که حتی بازوی پژوهشی مجلس بر توسعه تولید داخل صحه گذاشته، پرسش‌های جدی را درباره انسجام سیاست گذاری در این وزارتخانه ایجاد کرده است. در واقع سؤال پیش می آید که با این دست اصلاحات آیا وزارت صمت به وزارت بازرگانی تغییر ماهیت داده است؟ همچنین باید مشخص شود کدام مدیر مبنایی این دست پیشنهادات را به مسئولان اصلی وزارت صمت به عنوان گلوگاه تنظیم تعرفه اقتصاد کشور ارائه می کند؟
انتظاری رود پیش از نهایی شدن این مصوبه در هیات دولت، جلسات کارشناسی با حضور فعالان صنعت و نمایندگان مجلس برگزار شود تا از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده که می‌تواند به صحت داخلی آسیب بزند، جلوگیری شود.

بنیض اقتصاد رادردست بگیرید



Charsogh newspaper

■ چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴ ■ سال دوم ■ شماره ۳۰۷



قیمت برنج در دولت چهاردهم ۳ برابر شد

گزارش

قیمت برنج درجه یک ایرانی که در پایان دولت شهید رئیسی ۱۱۹ هزار تومان بود این روزها به ۴۰۰ هزار تومان رسیده و رشد بیش از ۳ برابری نشان می دهد. اما چرا دولت چهاردهم نتوانست بازار برنج را مدیریت کند؟

به دلیل ذاتفه ایرانی‌ها، برنج یکی از ستون‌های اصلی امنیت غذایی کشور محسوب می‌شود، با سرانه مصرف ۳۵ کیلوگرم برای هر ایرانی، کوچک‌ترین نوسان در تولید یا واردات آن، مستقیم روی سفره مردم و شاخص تورم مواد غذایی اثر می‌گذارد. از همین رو پرسش از اینجا شروع می‌شود آیا سیاست‌گذاری کشور، به اندازه وزن راهبردی این محصول، منسجم و آینده‌نگر است؟ در ادبیات رسمی، امنیت غذایی اغلب با واژه‌هایی چون «تنظیم

بازار» و «ذخایر استراتژیک» همراه شده است، اما واقعیت از زمین کشاورزی آغاز می‌شود. ایران سالانه چند میلیون تن شلوتک تولید می‌کند که بخش قابل توجهی از نیاز داخلی را پوشش می‌دهد. استان‌های شمالی، به ویژه مازندران، سهم بالایی در این تولید دارند و به تنهایی حدود ۴۰ درصد برنج کشور را تأمین می‌کنند.

برای نمونه در شهرستان بابل بیش از ۲۰۰ هزار تن برنج سفید در یک سال تولید شد؛ عددی که معادل تأمین نیاز غذایی چند میلیون نفر است. این مثال نشان می‌دهد ظرفیت تولید داخلی، اگر درست مدیریت شود، می‌تواند نقش ضربه‌گیر بازار را ایفا کند.

کشت دوم و رتون؛ پاسخ تولید به محدودیت منابع

یکی از تحولات مهم سال‌های اخیر، تثبیت کشت مجدد و رتون

نوسان باشد، انگیزه تولیدکننده

است. این شیوه‌ها بدون افزایش سطح زیرکشت،

بهروری زمین را بالا می‌برند و امکان تولید بیشتر از یک قطعه زمین را فراهم می‌کنند. در شرایطی که منابع آب محدود است و توسعه افقی کشاورزی با ملاحظات محیط زیستی روبه‌روست، این رویکرد یک مزیت راهبردی محسوب می‌شود؛ اما افزایش تولید زمانی اثرگذار است که بازار نیز قابل پیش‌بینی باشد. اگر در اوج برداشت، واردات بی‌محابا انجام

شود یا سیاست‌های ارزی دچار نوسان باشد، انگیزه تولیدکننده

بازار» و «ذخایر استراتژیک» همراه شده است، اما واقعیت از زمین

کشاورزی آغاز می‌شود. ایران سالانه چند میلیون تن شلوتک

تولید می‌کند که بخش قابل توجهی از نیاز داخلی را پوشش می‌دهد. استان‌های شمالی، به ویژه مازندران، سهم بالایی در این تولید دارند و به تنهایی حدود ۴۰ درصد برنج کشور را تأمین می‌کنند.

برای نمونه در شهرستان بابل بیش از ۲۰۰ هزار تن برنج سفید در یک سال تولید شد؛ عددی که معادل تأمین نیاز غذایی چند میلیون نفر است. این مثال نشان می‌دهد ظرفیت تولید داخلی، اگر درست مدیریت شود، می‌تواند نقش ضربه‌گیر بازار را ایفا کند.

اعتباری، با توجه به سیاست‌های پولی و نظارتی بانک مرکزی و وضعیت مالی مؤسسه اعتباری، توسط هیات عالی تعیین می‌شود.

ب- در صورتی که میزان اضافه‌برداشت مؤسسه اعتباری از منابع بانک مرکزی در چهار روز کاری متوالی از سقف روزهانه یادر چهار هفته متوالی از سقف هفتگی بیشتر باشد، معاون تنظیم‌گری و نظارت موظف است ضمن اخطار به مؤسسه اعتباری، بلافاصله موضوع را به اطلاع رئیس کل راهبردی مؤسسه اعتباری، با افزودن نامه و توضیح در مورد هیات عالی پس از استماع گزارش معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند با درخواست مؤسسه اعتباری متقاضی، مبنی بر دریافت تسهیلات اضطراری موافقت کند.
بائ رئیس کل راموظف به تعیین هیات اعتباری مورد نظر هیات سرپرستی موقت تعیین کند. در مواردی که هیات عالی به استناد این بند رئیس کل راموظف به تعیین هیات سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری می‌کند، حکم مذکور در ماده (۳۴) این قانون مجری نخواهد بود.

پ- سررسید تسهیلات اضطراری موضوع بند «ب» این ماده حداکثر سی روز است.
ت- در صورتی که هیات عالی با اعطای تسهیلات اضطراری موافقت کند، معاون تنظیم‌گری و نظارت موظف است ضمن مطالعه برنامه تسهیلات اضطراری، گزارشی از وضعیت مؤسسه اعتباری مورد نظر برای تصمیم‌گیری به رئیس کل و هیات عالی ارائه کند.
هیات عالی پس از استماع گزارش معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند تسهیلات موضوع این بند را برای نخستین بار با رأی موافق دوسوم برای بار دوم، برای موافق سه چهارم اعضا تمدید نماید. تمدید تسهیلات مزبور بیش از دونوبت مجاز نیست.

در چنین شرایطی بانک‌های مرکزی چه راهکارهایی برای حل مسئله در اختیار دارند؛
ماده ۴۵ قانون بانک مرکزی می‌گوید:

الف- سقف روزهانه و هفتگی اضافه‌برداشت هر مؤسسه اعتباری برای تسویه حساب‌های می‌مابین خود با بانک مرکزی یا سایر مؤسسات اعتباری، با توجه به سیاست‌های پولی و نظارتی بانک مرکزی و وضعیت مالی مؤسسه اعتباری، توسط هیات عالی تعیین می‌شود.
ب- در صورتی که میزان اضافه‌برداشت مؤسسه اعتباری از منابع بانک مرکزی در چهار روز کاری متوالی از سقف روزهانه یادر چهار هفته متوالی از سقف هفتگی بیشتر باشد، معاون تنظیم‌گری و نظارت موظف است ضمن اخطار به مؤسسه اعتباری، بلافاصله موضوع را به اطلاع رئیس کل راهبردی مؤسسه اعتباری، با افزودن نامه و توضیح در مورد هیات عالی پس از استماع گزارش معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند تسهیلات اضطراری موافقت کند.
بائ رئیس کل راموظف به تعیین هیات اعتباری مورد نظر هیات سرپرستی موقت تعیین کند. در مواردی که هیات عالی به استناد این بند رئیس کل راموظف به تعیین هیات سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری می‌کند، حکم مذکور در ماده (۳۴) این قانون مجری نخواهد بود.

پ- سررسید تسهیلات اضطراری موضوع بند «ب» این ماده حداکثر

سی روز است.

ت- در صورتی که هیات عالی با اعطای تسهیلات اضطراری موافقت

برای توسعه این شیوه‌ها کاهش می‌یابد.

گفتنی است در بسیاری از مناطق برنج خیز کشور، برداشت تقریباً به طور کامل مکانیزه شده‌است. این اتفاق هزینه تولید را کاهش داده و سرعت عرضه به بازار را بالا برده است؛ اما پرسش کلیدی اینجاست که کاهش هزینه در مزرعه تا چه اندازه در درآمد کشاورز منعکس می‌شود؟ فاصله قیمت شالیزار تا خرده‌فروشی در برخی سال‌ها به اندازه‌ای بوده که عملاً مزیت بهره‌وری در زنجیره توزیع مستهلک شده است. اگر سیاست‌گذار به دنبال پایداری تولید است، باید به شفافیت زنجیره ارزش و کاهش واسطه‌گری غیرضروری توجه کند.

واردات؛ تنظیم بازار یا سیکنال منفی به تولید؟

ایران برای پوشش کامل نیاز مصرفی، بخشی از برنج را وارد می‌کند. این واقعیت انکارناپذیر است اما مسئله زمان و شیوه واردات است. واردات در فصل برداشت داخلی، سیکنال منفی به تولیدکننده می‌دهد و قیمت‌ها را در مبدأ کاهش می‌دهد، در حالی که در بازار مصرف لزوماً به کاهش ملموس قیمت منجر نمی‌شود. سیاست تجاری در حوزه برنج باید مبتنی بر یک تقویم دقیق و قابل پیش‌بینی باشد؛ به گونه‌ای که تولید داخلی تقویت شود و واردات به جای نقش جایگزین، صرفاً نقش مکمل داشته باشد.

برنج؛ کالا با دارایی استراتژیک؟

تورم مواد غذایی در سال‌های اخیر نشان داده که اقلام پرمصرف تا چه اندازه می‌توانند به شاخص‌های اقتصادی جهت دهند. برنج، به دلیل مصرف گسترده در دهک‌های مختلف درآمدی، یک کالای اساس است.

اگر زمین‌های کشاورزی تغییر کاربری دهند، منابع آبی مدیریت نشوند و حمایت قیمتی هدم‌فمند وجود نداشته باشد، تولید داخلی به تدریج تضعیف می‌شود. نتیجه این روند، وابستگی بیشتر به واردات و افزایش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های ارزی و تجاری خواهد بود.

این در حالی است که تجربه استان‌های شمالی نشان می‌دهد ظرفیت تولید داخلی برنج بالاست

و حتی یک شهرستان می‌تواند نیاز چند میلیون نفر را تأمین کند. این ظرفیت، یک مزیت ملی است؛ اما

امنیت غذایی با اتسکا به ظرفیت بافتوه محقق نمی‌شود و نیازمند ثبات سیاسی، حمایت هوشمند، مدیریت منابع آب و تنظیم دقیق

تجارت است. اگر این عناصر کنار هم قرار گیرند، برنج ایرانی نه فقط می‌تواند سفره خانوار را تأمین کند، بلکه به ابزار کنترل تورم غذایی نیز تبدیل‌شود. در غیراین صورت، هر سال با آغاز فصل برداشت، همان پرسش تکرار خواهد شد که تولید داخلی در اولویت است یا واردات محصول؟

سیاست تجاری در حوزه برنج باید مبتنی بر یک تقویم دقیق و قابل پیش‌بینی باشد؛ به گونه‌ای که تولید داخلی تقویت شود و واردات به جای نقش جایگزین، صرفاً نقش مکمل داشته باشد

چرا حق مسکن ۳ میلیون تومانی کارگران هنوز در دولت تصویب نشده است؟

حق مسکن کارگران در شورای عالی کار ۳ میلیون تومان شد؛ اما آیا این مصوبه برای اجزای بهمین، به دولت رسیده است؟ در حالی که کارگران با معضل مسکن و افزایش هزینه‌های زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند، پرونده افزایش حق مسکن که از سوی مقامات کارگری پیششهاد افزایش ۳ تا ۴ برابری مطرح شده بود، در پیچ‌وخم‌های اداری گرفتار شده است. این تأخیر، نگرانی‌ها درباره جدیت دولت در اجرای تعهدات معیشتی راد چونندان کرده است.
واسط بهمین ماه، احمد می‌دی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرد که مبلغ حق مسکن کارگران که در حال حاضر ۹۰۰ هزار تومان است، در شورای عالی کار پیشنهاد افزایش ۳ تا ۴ برابری داشته است، این اظهارنظر در ابتدا موجی از امید را میان جامعه کارگری ایجاد کرد، چراکه رقم فعلی به‌طور کامل از هزینه‌های واقعی زندگی عقب‌مانده است.

شورای عالی کار در آخرین جلسه خود در هفته‌های پیش، تصمیم مهمی در زمینه معیشت کارگران اتخاذ کرد و مبلغ حق مسکن را به ۳ میلیون تومان افزایش داد، این مصوبه پس از سه سال توقف وثابت ماندن رقم مزایای مسکن کارگران، یک گشایش حداقلی محسوب می‌شود. طبق جزئیات اعلام‌شده، مقرر شده است که کارفرمایان موظفند این مبلغ جدید را از ابتدای بهمین ماه سال ۱۴۰۴ به کارگران

خود پرداخت کنند. این موضوع برای تبدیل شدن به قانون، نیازمند ارسال و تصویب نهایی در هیات وزیران است. در صورت تصویب نهایی، حق مسکن کارگران برای ماه‌های پایانی سال (بهمین و اسفند) به جای ۹۰۰ هزار تومان فعلی، مبلغ ۳ میلیون تومان خواهد بود. گزارش‌ها حاکی از آن است که اجرای این مصوبه به زمان تصویب هیات وزیران وابسته است و ماه‌های پیش از بهمین مشمول این افزایش نخواهند بود.

ایهام در فرآیند تصویب

پس از اظهارات وزیر، برخی مقامات کارگری اعلام کردند که مصوبه مربوطه از شورای عالی کار عبور کرده و برای بررسی نهایی به هیات دولت ارسال شده است، با این حال، با گذشت حدود دو هفته از آن زمان، سکوت مطلق نهادهای دولتی بر این مصوبه حاکم است و هیچ خبر رسمی مبنی بر طرح یا بررسی آن در جلسات هیات دولت منتشر نشده است. فقدان هرگونه خبری از فرآیند بررسی در دولت، موجب شده است که برخی نمایندگان کارگری، معتقد باشند وزارت کار در ارسال یا پیگیری مصوبه به هیات دولت کوتاهی کرده است، این اتهام نشان می‌دهد که گلوگاه اصلی تأخیر، نه در سطح تصمیم‌گیری نهایی دولت، بلکه در مرحله انتقال و پیگیری اداری است.

ضرورت اجرایی شدن مصوبه

نمایندگان کارگران معتقدند که هرچند رقم پیشنهادی (حدود ۳ میلیون تومان) همچنان پاسخگوی تکمیل نیاز مسکنی نیست، اما در شرایط فعلی اقتصادی می‌تواند تسکین موقت و ضروری برای کارگران باشد. ناامولی در نهایی‌سازی و تصویب این مصوبه در زمان مقرر، عملاً این کمک‌ضروری را به تأخیر انداخته است.

بنابراین گزارش، این وضعیت بار دیگر به انتقادات پیشین مبنی بر بی‌اعتباری تعهدات شفافهی در شورای عالی کار دامن می‌زند. در شرایطی که جامعه کارگری نیازمند اجرای قوانین و مصوبات حمایتی است، تأخیر در یک مصوبه ساده و حیاتی، این پیام را مخابره می‌کند که سیاست‌های حمایتی کارگران در اولویت‌های دولت از جایگاه پایینی برخوردارند. انتظار می‌رود وزارت کار هرچه سریع‌تر شفاف‌سازی کند و تکلیف این مصوبه مهم را مشخص سازد.



چرا التهاب بازار خودرو تشدید شد؟

گزارش

با وجود تخصیص خودروهای لوکس و عدم مجوز واردات خودروهای کارکرده، التهاب بازار خودرو تشدید شده است. در حالی که تا پایان سال حدود ۸۰ هزار دستگاه خودرو به کشور وارد خواهد شد، بازار خودرو تنها آرام نشده، بلکه افزایش قیمت‌های غیرقابل توجه، زنگ خطر نا کارآمدی سیاست‌های تنظیم بازار را به صدا درآورده است.

بررسی آمارها نشان می دهد رشد ۲۵ درصدی ارزش واردات نسبت به رشد ۱۸ درصدی تعداد، حکایت از گرایش واردات به سمت خودروهای گران قیمت دارد؛ روندی که نگرانی‌ها درباره ورود خودروهای لوکس با قیمت‌های نجومی را تشدید کرده است. وزارت صمت، اعلام کرده است: «در ۱۰ ماهه امسال ۵۴ هزار دستگاه خودرو تخصیص شده است. علاوه بر این، ۱۲ هزار و ۹۰۷ دستگاه در حال حمل به کشور هستند، ۹ هزار و ۷۷۷ دستگاه در گمرکات آماده ترخیص قرار دارند و ۱۰ هزار و ۵۷۷ دستگاه خودروی ترخیص شده نیز هنوز تحویل نشده‌اند. با احتساب این آمار، مجموع خودروهای وارد شده به کشور در سال ۱۴۰۴ به حدود ۸۰ هزار دستگاه می رسد.»

رشد ارزشی واردات؛ زنگ خطر گرایش به خودروهای لوکس

آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴، تعداد خودروهای وارداتی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۸ درصد افزایش یافته، اما ارزش این واردات رشدی ۲۵ درصدی

را تجربه کرده است. میانگین ارزش هر دستگاه خودروی وارداتی ۱۸ هزار و ۸۰۰ دلار در سال ۱۴۰۳ به ۲۲ هزار و ۶۸۰ دلار در سال جاری رسیده که افزایشی حدود ۴ هزار دلاری را نشان می دهد. این آمار حاکی از تغییر ترکیب سبد وارداتی به نفع خودروهای گران قیمت‌تر است. بررسی بازار نیز این موضوع را تأیید می کند؛ جایی که قیمت برخی خودروهای لوکس وارداتی به ارقام نجومی رسیده است. برای نمونه، تویوتا لندکروزر ۲۰۲۵ با قیمتی حدود ۵۰ میلیارد تومان در بازار معامله می شود. این در حالی است که به گفته کارشناسان، هدف اصلی از آزادسازی واردات، تأمین خودروهای اقتصادی برای اقشار متوسط و تنظیم بازار بوده است.

خودروهای کارکرده؛ وعده‌ای که محقق نشد

یکی از مهم‌ترین راه‌برای تعدیل قیمت‌ها، واردات خودروهای کارکرده با قیمت‌های مناسب‌تر است. براساس اعلام کارشناسان، خودروی کارکرده با قیمت ۱۰ هزار دلار و با احتساب حداکثر تعرفه ۵۰ درصدی، حدود ۲ میلیارد تومان هزینه می برد؛ رقمی که با توجه به قیمت خودروهای داخلی در همین رنج، می‌تواند به رقابت‌پذیری بازار و کاهش قیمت‌ها کمک کند.

با گذشت بیش از دو سال از تصویب قانون ساماندهی صنعت خودرو که در ماده ۱۱ آن به صراحت بر مجاز بودن واردات خودروهای کارکرده تأکید شده، هنوز حتی یک دستگاه خودروی دست دوم وارد کشور نشده است. محدودسازی واردات و نبود شفافیت، فضا را برای سودجویان باز کرده است.

اخیراً اعلام شده که واردات خودروهای کارکرده توسط مردم عادی انجام نمی‌شود و تنها شرکت‌هایی که توانایی ارائه خدمات پس

از فروش دارند، می‌توانند اقدام به این کار کنند.

حامد عاملی، معاون وزیر صمت، تأکید کرده است: «فقط شرکت‌های واردکننده و خودروسازی که بتوانند برای خودروهای کارکرده خدمات پس از فروش عرضه

کنند، مجوز واردات این خودروها را دریافت می‌کنند. از ابتدای اسمال هیچ خودروی کارکرده‌ای وارد کشور نشده است.»

این رویکرد اگرچه از منظر تضمین کیفیت خدمات پس از فروش قابل دفاع است، اما عملاً واردات خودروهای کارکرده را به انحصار شرکت‌های خاصی درآورده که ممکن است تمایلی به واردات خودروهای ارزان قیمت نداشته باشند.

به نظر می‌رسد مسئولان به جای اعمال محدودیت در مسیر واردات خودروهای کارکرده باید ابتدا در خصوص چرایی اجزای احکام قانونی واردات این دست خودروها شفاف‌سازی کنند.

ضرورت تنظیم گری هوشمندانه

آیین نامه واردات خودروهای کارکرده که براساس آن خودروهایی با عمر

اخبار



چالش شفافیت در کالابریگ الکترونیک؛ عدم دسترسی خانوار به مانده اعتبار

با گذشت چند ماه از اجرای طرح کالابریگ الکترونیک در دولت چهاردهم، نبود سازوکار شفاف برای اطلاع‌رسانی میزان اعتبار باقی مانده خانوارها موجب صف‌های طولانی، اختلاف میان خریداران و فروشندگان و افزایش ناراضیاتی عمومی شده است؛ کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم این مشکل می‌تواند اعتماد عمومی به برنامه‌های حمایتی دولت را کاهش دهد.

طرح کالابریگ الکترونیک که یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت چهاردهم برای حفظ قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد محسوب می‌شود، از ابتدای اجرا توانسته بخشی از فشار تومی ناشی از حذف ارز ترجیحی را کنترل کند و دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به کالاهای اساسی را تا حدی تضمین کند. کارشناسان اقتصادی نیزاصل این طرح را اقدامی ضروری برای هدفمندتر شدن یارانه‌ها و جلوگیری از هدررفت منابع می‌دانند. با گذشت چند ماه از اجرای طرح کالابریگ الکترونیک در دولت چهاردهم، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد یکی از چالش‌های مردم در این طرح، نبود سازوکار شفاف برای اطلاع‌رسانی درباره میزان اعتبار باقی مانده خانوار است؛ موضوعی که به گفته فعالان صنفی و شهروندان، در برخی مناطق به بروز تنش میان خریداران و فروشندگان و افزایش ناراضیاتی منجر شده است. طرح کالابریگ که پس از حذف ارز ترجیحی با هدف جبران افزایش قیمت کالاهای اساسی و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد اجرا شد، به شکل اعتبار الکترونیک در اختیار مردم قرار می‌گیرد. این طرح با کاهش فشار تومی، قدرت خرید اقشار آسیب‌پذیر را حفظ می‌کند؛ با این حال مسئله‌ای ساده و کوچک نظیر نبود امکان مشاهده لحظه‌ای مانده اعتبار، بسیاری از خانوارها را هنگام خرید با مشکل مواجه کرده است.

بررسی‌های اقتصاد معاصر نشان می‌دهد این نارسایی در برخی استان‌ها شدت بیشتری دارد و موجب معطلی در صف‌ها، اختلاف میان مشتریان و فروشندگان و حتی اختلال در روند فروش شده است. کارشناسان هشدار می‌دهند تداوم چنین مشکلاتی می‌تواند اعتماد عمومی به برنامه‌های حمایتی دولت را کاهش دهد؛ حتی اگر اصل طرح از نظر اقتصادی ضروری و منطقی باشد.

در همین حال، برخی جریان‌های منتقد و فعالان اقتصادی، همین ضعف اطلاع‌رسانی را دل‌بلی برای طرح دوباره پیشنهاد «تقدی‌سازی یارانه‌ها» عنوان می‌کنند و معتقدند پیچیدگی‌های اجرایی کالابریگ اثر بخشی آن را زیر سؤال می‌برد. با این حال، تحلیلگران اقتصادی تأکید دارند که مشکل اصلی نه در ماهیت طرح، بلکه در زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی ناکافی است. کارشناسان پیشنهاد می‌کنند دولت خیلی راحت می‌تواند با راه‌اندازی یک سیستم پیامکی و اطلاع‌رسانی لحظه‌ای از بروز بخش قابل توجهی از این مشکلات جلوگیری کند. براساس این پیشنهاد، پس از هر خرید، میزان اعتبار باقی مانده باید از طریق پیامک به سرپرست خانوار اعلام شود و هنگام شارژ دوباره و تعیین سطح معیشتی آنها بر عهده دارد. همچنین فراهم شدن امکان استعلام سریع از طریق اپلیکیشن (در کنار پیام‌رسان بله) یا یک دستوری می‌تواند به شفافیت بیشتر کمک کند. به باور تحلیلگران، اجرای چنین سازوکاری که هزینه چندانی نیز ندارد، علاوه بر کاهش تنش‌های فروشگاه‌ها، اعتماد عمومی به طرح حمایتی دولت را افزایش می‌دهد و مانع تبدیل یک ضعف اجرایی به چالشی اجتماعی خواهد شد.

معطلی چند ساعته پشت خط کالابریگ

۳ شماره برای پیگیری مسائل کالابریگ و یارانه خانوارها معرفی شده اما برای تماس با آنها باید مدت‌ها پشت خط بمانید. در حال حاضر ۳ سامانه به طور مجزا با تفکیک نسبی وظایف در حوزه کالابریگ و یارانه فعالیت دارند. سامانه اول مربوط به سازمان ثبت احوال است. این سامانه مسئولیت تفکیک بعد خانوارها را برعهده دارد و هرگونه تغییر از سوی این سازمان به سایر سامانه‌های دولتی یا ویژه سازمان وزارت کار اعلام می‌شود.

شماره تماس کارشناسان ثبت احوال بدین شرح است: ۰۲۱۱۵۱۰

سامانه دیگری مربوط به وزارت رفاه است که با عنوان سامانه حمایت فعالیت می‌کند و اپلیکیشن آن نیز از زمان آغاز پرداخت مدل جدید کالابریگ به شمیم تغییر نام داده است. این سامانه وظیفه اصلی را در جمع‌آوری داده‌های اقتصادی خانوارها و تعیین سطح معیشتی آنها بر عهده دارد.

به این ترتیب کلیه اعتراضات به دهک‌بندی و عدم دریافت یارانه به این سامانه مربوط می‌شود. در عین حال خانوارهایی توانند کارنامه اقتصادی خود را سامانه حمایت مشاهده و در صورت وجود خطا در داده‌ها نسبت به آن اعتراض کنند.

شماره تماس کارشناسان سامانه حمایت بدین شرح است: ۰۲۱۴۳۶۹

سامانه سوم نیز سامانه سیمین سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها است که برخی خدمات از جمله تعیین شماره حساب برای پرداخت یارانه و همچنین ثبت نام کالابریگ را برعهده دارد.

شماره تماس کارشناسان سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نیز بدین شرح است: ۰۲۱۴۳۸۵۷

اشغال مکرر خطوط سامانه‌های کالابریگی؛ کارشناسان پاسخگو، مراجعان خسته
نکته‌ای که در شرایط کنونی وجود دارد این است که اگر به هردللی فرد نتواند به صورت برخط خدمت مورد نظر خود دریافت کند به نایب باید با شماره‌های مربوط به این سامانه‌ها و یا همان واحد‌های پاسخگویی تلفنی تماس بگیرد. این نیاز و افزایش سطح تماس‌ها از زمانی آغاز شد که دولت در اجرای قانون بودجه سال ۱۴۰۴ شروع به حذف یارانه خانوارهای پردرآمد براساس آیین نامه مربوطه کرد. به این ترتیب برخی خانوارها که در این خصوص ابهام داشتند اقدام به تماس با مرکز پاسخگویی وزارت کار و سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها کردند. از سوی دیگری با اجرای مدل جدید ارانه کالابریگ پس از حذف ارز ترجیحی نیز شاهد تشدید تماس‌ها بودیم.

با این حال طی این مسیر ساده نیست چراکه به سبب حجم بالای تماس‌ها علاوه بر اینکه ممکن است بارها و بارها با پیام اشغال بودن خطوط مواجه شوید، ممکن است بعضاً تا یک ساعت پشت خط تلفن گویا باقی بمانید تا بتوانید با کارشناسان مربوطه صحبت کنید. البته ذکر این مورد ضروری است که تجربه پاسخگویی کارشناسان سامانه‌ها به ویژه سامانه سیمین مثبت بوده و سطح پاسخگویی جهت راهنمایی و ارائه خدمات قابل قبول بوده است. با این وجود اما مدت‌زمان طولانی انتظار مسئله‌ای است که باید در خصوص آن اقدامی صورت بگیرد. به طور معمول یک راهکار افزایش نیروی انسانی است اما مسیرهای دیگری مانند استفاده از ربات‌های پاسخگو نیز می‌تواند بخشی از فشار پاسخگویی را از خطوط سامانه‌های مربوط به کالابریگ و یارانه بردارد.

واردات خودرو از مصوبه تا اجرا؛ چرا دلارهای تخصیصی آزاد نشد؟



با وجود رشد واردات خودرو در سال جاری، عدم تخصیص

ارز مصوب مجلس مانع اثرگذاری آن بر بازار شده است. آمارهای رسمی وزارت صمت، معدن و تجارت نشان می‌دهد در ۱۰ ماهه سال جاری ۵۴ هزار دستگاه خودرو وارد کشور شده و با احتساب خودروهای در حال حمل، موجود در گمرک و ترخیص شده‌های تحویل‌نشده، مجموع واردات سال ۱۴۰۴ به حدود ۸۰ هزار دستگاه می‌رسد؛ رقمی که نسبت به سال‌های گذشته رشد قابل توجهی داشته است. با این حال، بازار خودرو همچنان نشانه‌ای از تعادل پایدار ندارد و قیمت‌ها در سطوح بالا باقی مانده‌اند.

رشد واردات در سه سال اخیر

براساس آمار رسمی، میزان واردات خودرو در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۱ هزار دستگاه، در سال ۱۴۰۳ حدود ۶۰ هزار دستگاه و در سال جاری نزدیک به ۸۰ هزار دستگاه بوده است. این روند افزایشی نشان می‌دهد از نظر عددی، واردات نسبت به دو سال قبل جهش قابل توجهی داشته است.

اما پرسش اساسی اینجاست؛ اگر واردات تقریباً هفت برابر شده، چرا اثر محسوسی بر کاهش قیمت‌ها یا تنظیم بازار مشاهده نمی‌شود؟ کارشناسان معتقدند بخشی از پاسخ به «ترکیب واردات» و سطح قیمتی خودروهای وارد شده، بازمی‌گردد. عمده خودروهای وارداتی در بازه‌های قیمتی متوسط و بالاتر قرار دارند و سهم خودروهای اقتصادی محدود است؛ در نتیجه اثر آنها بر بازار خودروهای یرتقاضای داخلی چندان محسوس نیست.

ثبت سفارش ۱۰۰ هزار دستگاه؛ گروه در تخصیص ارز

به گفته سخنگوی وزارت صمت، حدود ۱۰۰ هزار دستگاه

۵ تا ۲۰ سال می‌توانند وارد کشور شوند، از سال آینده قابل اجرا خواهد بود؛ اما نکته مهم این است که در کنار تسهیل فرآیند واردات، باید جلوی ورود خودروهای لوکس و فوق‌گران قیمت گرفته شود.

سقف ۲۰ هزار یورویی برای ارزش خودروهای وارداتی (با اولویت خودروهای زیر ۱۰ هزار یورو) که در مصوبات اولیه پیش‌بینی شده بود، در صورت اجرای دقیق می‌تواند از ورود خودروهای لاکچری که از مسیرهایی مثل خودروی جانپاری و... جلوگیری کرده و بازار را به سمت خودروهای اقتصادی سوق دهد.

کارشناسان معتقدند موفقیت طرح واردات خودرو در گرو اقدام موازی است؛ نخست، تسریع در واردات خودروهای کارکرده با قیمت مناسب و شکستن انحصار موجود؛ دوم، جلوگیری از واردات خودروهای لوکس که نه تنها به تنظیم بازار کمک نمی‌کنند، بلکه با قیمت‌های نجومی خود به نماد ناآرامی سیاست‌های وارداتی تبدیل می‌شوند. این موضوع به تنظیم‌گری دقیق و نظارت مؤثر وزارت صمت نیاز دارد.

یکی از مهم‌ترین راهکارها

برای تعدیل قیمت‌ها،

واردات خودروهای کارکرده با

قیمت‌های مناسب‌تر است.

براساس اعلام کارشناسان،

خودرویی کارکرده با قیمت ۱۰

هزار دلار و با احتساب حداکثر

تعرفه ۵۰ درصدی، حدود

۲ میلیارد تومان هزینه

می‌برد؛ رقمی که با توجه به

قیمت خودروهای داخلی

در همین رنج، می‌تواند به

رقابت‌پذیری بازار و کاهش

قیمت‌ها کمک کند

ناترازی بانک‌ها؛ چالش اصلی اقتصاد ایران و لزوم پیشگیری از انحراف تسهیلات

تشدید ناترازی بانک‌ها از عوامل اصلی تورم‌های نامتعارف است. جلوگیری از انحراف در تسهیلات غیرمولد الزامی است. نظام بانکی ایران با سهم بیش از ۸۰ درصدی در تأمین مالی اقتصاد، به عنوان گلوگاه اصلی تأمین نقدینگی کشور محسوب می‌شود. با این حال، ناترازی بانک‌ها در سال‌های اخیر به یکی از عوامل اصلی تورم‌های نامتعارف تبدیل شده و مهار آن به یک اولویت اساسی برای سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل گردیده است.

از چهار سال پیش، موضوع کنترل ترازنامه بانک‌ها در دستور کار سیاست‌گذار پولی قرار گرفته است. این سیاست در سال ۱۴۰۲ به ثمر نشست و رشد نقدینگی در کانال ۲۵ درصد کنترل شد که دستاوردی مطلوب برای اقتصاد کشور محسوب می‌شد. با این حال، آمارهای اخیر از رشد مجدد نقدینگی در کانال بالای ۳۰ درصد حکایت دارد که زنگ خطری برای اقتصاد کشور به شمار می‌رود. بانک مرکزی در تلاش است از طریق کنترل مقدری ترازنامه، جلوی رشد بی‌ضابطه تسهیلات‌دهی بانک‌ها را بگیرد. این سیاست با هدف جلوگیری از خلق نقدینگی بی‌رویه و تورم‌زدنبال می‌شود.

چالش‌های پیش رو

پس از شوک حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دی‌ماه، اقتصاد ایران با موج جدیدی از نقدینگی‌خواهی در بخش‌های مختلف مواجه شده است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که باید مراقبت لازم صورت گیرد تا با تزریق‌های نادرست، زمینه رشد بی‌ضابطه تسهیلات‌دهی و در نتیجه تشدید ناترازی فراهم نشود.

انحراف در تسهیلات‌دهی؛ عامل تشدید ناترازی

یکی از مهم‌ترین انحرافات در نظام بانکی کشور، جهت‌گیری نامناسب تسهیلات به بخش‌های غیرمولد است. این پدیده به عنوان یکی از دلایل اصلی افزایش ناترازی بانک‌ها شناخته می‌شود. کارشناسان معتقدند هرگونه بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند ناترازی بانک‌ها را تشدید کند.

براین اساس، نظام بانکی کشور از یک سو باید به نیازهای جدید نقدینگی‌خواهی اقتصاد پاسخ درست و بهینه دهد و از سوی دیگر، در زمینه بهداشت اعتباری و اصلاح مسیر تسهیلات‌دهی دقت نظر لازم را داشته باشد تا از انحراف تسهیلات به بخش‌های غیرمولد جلوگیری شود.

کارشناسان اقتصادی برای جلوگیری از تشدید ناترازی بانک‌ها و انحراف در تسهیلات‌دهی راهکارهای زیر را پیشنهاد می‌کنند:

- تقویت نظارت بانک مرکزی بر ترازنامه بانک‌ها
 - هدایت هدفمند تسهیلات به سمت بخش‌های مولد اقتصاد
 - جلوگیری از خلق نقدینگی بی‌رویه
 - شفاف‌سازی صورت‌های مالی بانک‌ها
 - اصلاح رابطه مالی دولت با بانک‌ها و کاهش ناترازی بودجه
- به نظر می‌رسد تداوم سیاست‌های انضباطی و پرهیز از شوک‌درمانی، مهم‌ترین عامل در کنترل ناترازی بانک‌ها و کاهش تورم در اقتصاد ایران خواهد بود.



مجلس افزایش حقوق ۲ بار در سال را قانونی کند



سمنه کلپور
ریاست کاروان عالی اجمن های
صنعتی کارگران

اظهارنظر اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی درباره اینکه «می توان حقوق‌ها را دوبار در سال افزایش داد»، اگر قرار است صرفاً در حد یک تیتربخبری بماند، کمکی به معیشت مردم نمی کند. مسئله جامعه کارگری و حقوق بگیران کشور «امکان» نیست؛ الزام قانونی اجرا نشده است.

بر اساس اصل ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد باید متناسب با نرخ تورم و سبب معیشت تعیین شود. بر اساس اصل ۲۹ قانون اساسی، تأمین حداقل‌های معیشتی، حق مردم و تکلیف حاکمیت است. بر اساس اصل ۷۵ قانون اساسی، هر سیاستی که بار مالی دارد، باید مسیر تأمین الزام اجرائی مشخص داشته باشد؛ بنابراین پرسش روشن این است: این «دو بار افزایش حقوق» که در تزیبون علنی مجلس به صورت خبری فرمودید دقیقاً قرار است در کدام متن قانونی، با چه مکانیسمی و با چه ضمانت اجرائی الزام‌آور شود؟ اگر پاسخ، تصمیم دولت، یا تشخیص شورای عالی کار است، تجربه سال‌های گذشته به روشنی نشان داده که این مسیر فاقد اعتبار اجرائی است. در سال گذشته، نمایندگان دولت در شورای عالی کار تعهد دادند که با افزایش تورم، جلسات ترمیم مزد برگزار شود؛ اما تا ماه دهم سال، حتی یک جلسه رسمی مزدی تشکیل نشد. این یعنی: تعهد بدون قانونی هیچ است و وعده بدون ضمانت اجرا چیزی جز اتلاف وقت نیست. قدرت خریدی که هر ماه آب می‌رود، دستمزدی که از سبب معیشت عقب مانده و قانونی که هست، اما اجرایی نمی‌شود. اگر مجلس واقعاً معتقد است افزایش حقوق باید متناسب با تورم و حتی در بیش از یک نوبت باشد، تنها مسیر معتبر این است: اصلاح صریح قانون با الزام شاخص بندی دستمزد به تورم دوره‌ای؛ تعریف ضمانت اجرا در صورت استتکاف دولت (ترک فعل، مسئولیت حقوقی و الزام بودجه‌ای)؛ خروج تصمیم مزد از وعده‌های شفاهی و تبدیل آن به حکم لازم‌الاجرا. کارگران فقط یک مطالبه دارند، اجرای قانون و اگر قرار است با هم «می‌توان» گفته شود و نه الزام حقوقی پس باید شجاعانه گفت: چرا تا امروز «نشد» و چه کسی پاسخگوی این نشدن است؟



کارگران با حق مسکن ۳ میلیونی خانه چندمتری اجاره کنند؟

افزایش سه میلیون تومانی حق مسکن کارگران پاسخگوی افزایش نرخ‌های اجاره‌بهای مسکن نیست.

فتح‌الله بیات، فعال کارگری با اشاره به وضعیت دشوار معیشتی کارگران گفت: امروز کارگران در شرایطی زندگی می‌کنند که بخش بزرگی از درآمدشان صرف هزینه مسکن می‌شود در بسیاری از موارد، نزدیک به ۶۰ درصد از کل درآمد خانوار کارگری برای تأمین سرپناه هزینه می‌گردد. وی تصریح کرد: حق مسکن سه میلیون تومانی که برای کارگران در نظر گرفته شده است، تنها بخش محدودی از این فشار را جبران می‌کند و توان پاسخ‌گویی به واقعیت‌های هزینه‌ای در بازار مسکن را ندارد. وی افزود: آنچه بیش از رقم این کمک هزینه اهمیت دارد، بی‌توجهی به اصلاحات ساختاری در سیاست‌های دولت است. دوسال گذشته شاهد آن بودیم که هیچ افزایشی در حق مسکن اعمال نشد؛ کوفتی فرض بر این بوده که در این مدت یا کارگران صاحب‌خانه شدند یا سطح دستمزدها به‌گونه‌ای رشد کرده است که دیگر نیازی به افزایش کمک هزینه نیست، در حالی که واقعیت امر این است که نه هزینه‌های زندگی کاهش یافته و نه قدرت خرید کارگران ترمیم شده است. این فعال کارگری تأکید کرد: دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما در شورای عالی کار باید نگاه خود را اصلاح کند. به‌گفته او، در مذاکرات تعیین دستمزد، کارفرمایان بخش خصوصی اغلب تلاش می‌کنند با محدود کردن افزایش حقوق‌ها، مشکلات مالی خود را جبران کنند و دولت نیز همین مسیر را دنبال می‌کند تا از هزینه‌های خود بکاهد. بیات گفت: استتلال رایج مبنی بر اینکه رشد دستمزد سبب افزایش تورم می‌شود، از نظر بسیاری از اقتصاددانان قابل‌نیست، زیرا نیروی کاری که توان تأمین هزینه‌های اولیه زندگی را دارد، بهره‌وری بیشتری خواهند داشت و این خود به رشد تولید و کاهش تورم کمک می‌کند.

وی ادامه داد: افزایش حق مسکن رami توان گامی مثبت دانست، اما فاصله این رقم با هزینه‌های واقعی زندگی بسیار زیاد است. بر اساس برآوردهای فعلی، اجاره‌بهای مسکن در بسیاری از مناطق شهری چنان بالا رفته است که مبلغ سه میلیون تومان در سبب هزینه خانوار کارگری تأثیر محسوسی ندارد. بیات یادآور شد: تجربه سه سال‌های اخیر نشان داده است که افزایش رقم‌های حمایتی همچون کمک هزینه مسکن، به دلیل ساختار ناکارآمد بازار، به سرعت اثر خود را از دست می‌دهد. هر بار که این حمایت‌ها افزایش یافته است، بازار اجاره با فاصله‌ای کوتاه، قیمت‌ها را متناسب با رقم جدید بالا برده و عملاً فشارها بر مستأجران پارچا مانده است. وی بیان کرد: تا زمانی که برنامه‌های مشخص برای توسعه مسکن استیجاری، واگذاری زمین‌های ارزان، کنترل سوداگری در خرید و فروش ملک و ارتباط واقعی میان دستمزد تورم و وجود نداشته باشد، افزایش مبالغ حمایتی نمی‌تواند از بحران مسکن کارگران بکاهد. حق مسکن سه میلیون تومانی شاید حرکتی به جلو باشد، اما در بازاری که هزینه‌های اجاره روزبه‌روز افزایش می‌یابد، چنین رقمی تنها می‌تواند به اندازه مسکنی کوتاه‌مدت، دره این زحمت‌زحمت‌کش را کمی آرام کند.

■ چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴

■ ۷ رمضان ۱۴۴۷

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ شماره ۷۰۷

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



نامیدی کارگران از بهبود معیشت

گزارش

کارگران دیگر امیدوی به بهبود اوضاع خود در ساختار فعلی ندارند. آن‌ها بارها سقوط سنگین معیشت را تجربه کرده‌اند و می‌دانند نهایت‌آنچه در جلسات مزدی آخر سال نصیبشان می‌شود، حفظ وضع موجود است.

به گزارش ایلتا، به روزهای پایانی سال و موعد تعیین دستمزد کارگران نزدیک می‌شویم. تا امروز تنها سه جلسه کمیته مزد و دو جلسه شورای عالی کار برگزار شده است. هنوز نرخ سبب معیشت تعیین نشده و آمار و ارقامی که در این جلسات رد و بدل شده، به بیرون درز نکرده است. مذاکرات مزدی در حالی انجام می‌شود که طی هفته‌های اخیر با حذف ارز ترجیحی از کالاهای اساسی، موجی کم‌سابقه از افزایش قیمت‌ها شکل گرفته و هزینه‌های زندگی با شتابی بی‌سابقه رو به صعود گذاشته است. متأسراً از این وضعیت، گروه کارگری تأکید دارد که سبب معیشت باید در نظر گرفتن آثار حذف ارز ترجیحی و بر مبنای تورم بهمن ماه محاسبه شود؛ به این امید که با تعیین رقمی نزدیک به واقعیت‌های بازار، زمینه‌های برای چانه‌زنی بر سر دستمزدی منصفانه فراهم شود. این امیدواری البته چندان محلی از اعراب ندارد چراکه بنا به تجربه هر سال، حتی نرخ سبب معیشت حداقلی محاسبه شده در کمیته مزد، مبنای تعیین دستمزد کارگران قرار نمی‌گیرد.

کوچک شدن سبب حداقل‌های زندگی

مطابق ماده ۴۱ قانون کار، تعیین دستمزد کارگران باید بر پایه نرخ سبب حداقل‌های زندگی برای یک خانواده ۳،۲ نفره و با استناد به نرخ تورم رسمی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی تعیین شود. بر این اساس، حداقل حقوق باید تأمین‌کننده نیازهای اساسی و ضروری یک خانواده کارگری باشد اما در عمل، سال‌هاست این قانون به درستی اجرا نمی‌شود.

شکل گیری شکافی عمیق و پایدار میان حداقل دستمزد و هزینه‌های واقعی معیشت، نتیجهٔ این سرکوب مزدی مکرر و همیشگی است؛ وضعیتی که باعث شده دریافتی بسیاری از کارگران حتی پاسخگوی ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی نیز نباشد.

اکنون به وضعیتی رسیدیم که همین سبب حداقلی نیز به کوچک‌ترین اندازه خود تقلیل یافته است. اگر خوراک، پوشاک، درمان و مسکن را بدیهی‌ترین نیازهای بقا بدانیم، همین نیازهای اولیه نیز به سخت‌ترین شکل ممکن تأمین می‌شوند. افزایش بی‌سابقه قیمت کالاهای خوراکی اساسی همچون برنج، مرغ، و گوشت و حتی نان، توان تأمین این اقلام ضروری را به شدت محدود کرده است؛ فشاری که تنها به سفره محدود نمی‌شود و در حوزه‌های مسکن، آموزش و درمان نیز به وضوح قابل مشاهده است.

وقتی تثبیت وضع موجود یک دستاورد می‌شود!

با حذف ارز ترجیحی از کالاهای اساسی، فشار هزینه‌ها سنگین‌تر شده و برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند سبب حداقل‌های زندگی در سال پیش‌رو به رقمی بین ۷ تا ۵۰۰ میلیون تومان برسد. این در حالی است که حداقل حقوق امسال رقمی حدود ۱۴ میلیون تومان است و دریافتی کارگر حداقل بگیر با دورفزند به حدود ۱۷ میلیون تومان نزدیک شدن دستمزد به نرخ سبب معیشت، افزایش مزد در سال آینده باید فزاتر از ۱۰۰ درصد باشد.

پرسش اما اینجاست: آیا چنین افزایشی در عمل امکان پذیر است؟ و آیا دستمزدی می‌تواند به سطحی هم‌تراز با هزینه‌های واقعی زندگی یا دست‌کم نزدیک به آن برسد؟

وزیر کار در پاسخ به این پرسش در یک نشست خبری گفت: «هدف اصلی، حفظ قدرت خرید کارگران است.» این جمله، اگر بی‌واسطه و صریح خوانده شود، معنایی جز تلاش برای تثبیت شرایط بد معیشتی

خانواده چند شیفت کار کند و از ساعات استراحت و فراغت خود بزند تا زندگی اعضای خانواده، فقط در حد بقا تا دوام داشته باشد! این وضعیت زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم بر اساس آمارهای مطرح‌شده در یکی از جلسات کمیته مزد امسال، ۷۲ درصد از بیمه‌شدگان در زمره حداقل بگیران یا دریافت‌کنندگان اندکی بالاتر از حداقل دستمزد قرار دارند. به این ترتیب، اکثریت نیروی کار رسمی کشور در محدوده حداقل حقوق دریافتی دارند و برای تأمین یک زندگی صرفاً حداقلی و در حد بخور و نمیر، ناچارند ساعات طولانی و طاقت‌فرسا کار کنند.

سقوط مکرر معیشت

عبدالله بلوایی، فعال کارگری، درباره وضعیت فعلی کارگران می‌گوید: امروز سفره کارگران و بازنشستگان بیش از هر زمان دیگری کوچک شده است. دستمزد سال ۱۴۰۴ از همان روزهای ابتدایی سال، ارزش خود را از دست داد و با تا دوام سقوط ارزش ریال و افزایش بهای مایحتاج زندگی، اثرات ناچیز افزایش مزد عملاً خنثی شد.

بلوایی بی‌اثر شدن ارزش مزد بعد از گذشت چند ماه از سال و سقوط دوباره معیشت کارگران را روندی تکراری می‌داند و می‌گوید: ما بارها گفته‌ایم که تعیین دستمزد به‌صورت سالانه در شرایط بی‌ثبات اقتصادی و با این حجم از بی‌تدبیری در ادارهٔ کشور نابخاست. برای آنکه کارگران سقوط دائم معیشت را تجربه نکنند، بازنگری در دستمزد، دست‌کم باید به‌صورت فصلی انجام شود یا دولت با تقویت بهای حمایتی، کاهش قدرت خرید را جبران کند.

او می‌گوید: ارزش دستمزد به قدری سقوط کرده که حقوق یک ماه کارگر به کمتر از ۱۰۰ دلار رسیده است. صعود چشمگیر و گاه چند صد درصدی هزینه‌هایی مانند اجاره مسکن، دارو، خوراک، آب، برق و گاز موجب شده دستمزد‌های فعلی حتی پاسخگوی حداقل‌های معیشتی نباشد و همان روزهای اول ماه به پایان برسد.

این فعال مستقل کارگری تکبیدی می‌کند: بسیاری از خانواده‌های کارگری ناچار شده‌اند اقلامی مانند گوشت، میوه و حتی لبنیات را از سبد غذایی خود حذف کنند. چطور می‌شود یک کارگر به این حد از درماندگی برسد که حتی نتواند در سال دو کیلو گوشت به خانه‌اش ببرد؟! بلوایی در ادامه به نبود سبدبهای مستقل و نمایندگان واقعی کارگری اشاره می‌کند و می‌گوید: کارگران در غیاب تشکل‌های مستقل، هر آسبیی که فکر کنید دیده‌اند و از قربانیان مسلم سیاست‌های خرد و کلان اقتصادی هستند.

او می‌گوید: کارگری که با ده دوازده ساعت کار در هفت روز هفته نمی‌تواند نیازهای حداقلی خانواده خود را برآورده کند، چه امید دارد که آینده‌دارد؟ همین ناامیدی و استتصال معیشتی باعث شد کارگران در کنار سایر اقشار به خیابان‌ها بیایند؛ اما دیدیم چه اتفاقی افتاد! هنوز نمی‌دانیم در اعتراضات دی‌ماه چند کارگر جان خود را از دست داده‌اند و چند نفر در زندان هستند. چیزی که خوب می‌دانیم این است که جواب اعتراض این نیست!

تلاش برای تثبیت حد کفنی تورم ناتوانی

مازگر یک ناامیدی جمعی شده‌ایم. کارگران دیگر امیدوی به بهبود اوضاع خود در ساختار فعلی ندارند. آن‌ها بارها سقوط سنگین معیشت را تجربه کرده‌اند و می‌دانند نهایت‌آنچه در جلسات مزدی آخر سال نصیبشان می‌شود، حفظ وضع موجود است. با به عبارتی دیگر، آن‌ها کاملاً مطلع هستند که دستاورد شورای عالی کار در پایان سال، چیزی بیشتر از نگه داشتن حد کفنی قرو و ناتوانی اشان نخواهد بود.



با حذف ارز ترجیحی از

کالاهای اساسی، فشار

هزینه‌ها سنگین‌تر شده

و برخی کارشناسان

پیش‌بینی می‌کنند سبب

حداقل‌های زندگی در سال

پیش‌رو به رقمی بین ۵ تا

۷۰ میلیون تومان برسد

چرا اسامی گیرندگان ارز واردات خودرو افشا نمی‌شود؟

مجلس نبود، تعرفه واردات خودرو هنوز بالاتکلیف بود و بسیاری از دستورالعمل‌ها، از جمله موضوع واردات خودروهای ایرانیان خارج از کشور و خودروهای کارکرده، هنوز تدوین و اجرائی نشده بود.

دبیر انجمن واردکنندگان خودردو دامه داد: ارز اختصاص یافته برای واردات خودرو نیز به شکل کامل تخصیص پیدا نکرده و بسیاری از واردکنندگان مجبور شده‌اند با تلاش و فشارهای زیاد، منابع محدود موجود را برای خرید خودرو تأمین کنند.

وی ضمن اشاره به استتکاف سازمان حمایت از اجرای مصوبه شورای رقابت در زمینه قیمت‌گذاری، گفت: اجرای ناقص قانون، تعرفه‌ها و تخصیص ارز باعث شده واردات خودرو نتواند به عنوان اهرم اصلی تنظیم قیمت در بازار عمل کند و نتیجه آن افزایش بی‌رویه قیمت خودروهای تولید داخل باشد.

دافقر همچنین به نقش سودجویان در شرایط کنونی اشاره کرد و افزود: عدم شفافیت در انتشار اطلاعات توسط وزارت صمت، گمرک و بانک مرکزی باعث



شده برخی افراد به عنوان پیش‌فروش خودرو یا با

وعده تحویل، از مردم پول دریافت کنند. در حالی که مشخص نیست چه کسی چه میزان ارز دریافت کرده و چه تعداد خودرو ثبت سفارش شده وارد

کشور شده است. وی هشدار داد: این وضعیت اکنون به یک معضل جدی در بازار خودروهای وارداتی تبدیل شده است و ادامه آن نیازمند رسیدگی است.

ناترازی برق نتیجه بی‌توجهی به برنامه‌ریزی بلندمدت در حکمرانی انرژی

علیرضا اسدی معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندبگای صنعت برق ایران، با اشاره به ویژگی‌های فنی این صنعت، ناترازی فعلی برق کشور را نتیجه فقدان برنامه‌ریزی الزام‌آور بلندمدت در سطح حکمرانی دانست. به گفته وی، هم‌زمانی تولید و مصرف برق و زمان بر بودن توسعه زیرساخت‌ها، ایجاب می‌کند افق برنامه‌ریزی حداقل ده تا بیست ساله باشد، در حالی که سیاست‌گذاری موجود به مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت محدود شده است. اگر پنج سال قبل برای تأمین برق امروز برنامه‌ریزی نکرده باشیم، عملاً امکان جبران آن در کوتاه‌مدت وجود ندارد و نتیجه آن به‌صورت خاموشی و کمبود ظرفیت بروز می‌کند.

علیرضا اسدی معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندبگای صنعت برق ایران در گفتگو با مسیر اقتصاد با اشاره به ویژگی‌های فنی و اقتصادی صنعت برق گفت: ناترازی فعلی برق کشور بیش از آنکه ناشی از یک عامل مقطعی باشد،

ریشه در فقدان برنامه‌ریزی الزام‌آور بلندمدت در سطح حکمرانی دارد. عدم درک صحیح الزامات این صنعت در سطوح سیاست‌گذاری، موجب شده برنامه‌های توسعه‌ای به جای اجرا، پنج‌ساله نیز این محدودت‌ها به‌طور کامل دیده نمی‌شود، در حالی که توسعه زیرساختی نیازمند افق‌های ده تا بیست‌ساله است تا امکان هماهنگی میان بازیگران مختلف و تأمین به‌موقع ظرفیت فراهم شود.

ماهیت صنعت برق، برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت را بی‌اثر می‌کند

اسدی با بیان اینکه برق برخلاف بسیاری از کالاها امکان واردات یا ذخیره‌سازی سریع ندارد، توضیح داد: تأمین برق مورد نیاز یک سال آینده، مستلزم آن است که چند سال قبل پروژه‌های تولید، انتقال و توزیع آن تعریف و اجرا شده باشند. ساخت زیرساخت‌های صنعت برق، اعم از نیروگاه یا شبکه، به‌طور متوسط بین دو تا چهار سال زمان

لازم برای اجرای برنامه‌های بلندمدت زیرساختی است و همین مسئله باعث شده سیاست‌های صنعت برق به مدیریت بحران‌های روزمره محدود شود.

جایگزینی مدیریت بحران به جای توسعه زیرساخت معاون پژوهش و برنامه‌ریزی سندبگای صنعت برق با تأکید رویکرد حاکم بر سیاست‌گذاری انرژی گفت: در سال‌های اخیر، برنامه‌های صنعت برق عملاً به برنامه‌های مدیریت بحران تقلیل یافته‌اند و تمرکز سیاست‌گذار بر حل مسائل فوری، موجب عقب‌افتادگی جدی در توسعه زیرساخت‌های تولید و شبکه شده است. وی تأکید کرد: این وضعیت تنها در صنعت برق، بلکه در کل توسعه زیرساخت‌های کشور مشاهده می‌شود و نتیجه آن، شکل‌گیری ناترازی‌هایی است که امروز به‌صورت خاموشی، محدودیت تولید و آسیب به بخش‌های مولد اقتصاد نمایان شده است.



تحقق آن‌ها در نظام حکمرانی فراهم باشد.

اسدی افزود: اجرای چنین برنامه‌هایی نیازمند هماهنگی میان نهاد‌های متعدد است. اما ساختار حکمرانی کشور فاقد همگرایی و ظرفیت نهادی